



رابطه آموزش پیش دبستانی بر یادگیری مهارت های روانی - حرکتی

دانش آموزان دوره ابتدایی شهر فسا

مطهره بهمرد^۱، نرکس کشاورز^۲، ایمان صادقی قیری^۳، نسرين مرادی^۴، خدیجه بابایی^۵

۱- کارشناسی ارتباط تصویری، دانشگاه اهواز

۲- کارشناسی تاریخ دانشگاه شیراز

۳- کارشناسی علوم اقتصادی گرایش اقتصاد دانشگاه چابهار

۴- کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی گرایش الهیات دانشگاه میبد

۵- کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان تاثیر آموزش پیش دبستانی بر مهارت های روانی - حرکتی دانش آموزان دوره اول ابتدایی شهر فسا در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می باشد. پژوهش حاضر، یک پژوهش پس رویدادی (علی - مقایسه‌ای) است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان سال های دوره اول دبستان فسا می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل می باشند. گروه نمونه شامل ۳۲۰ دختر و پسر است که ۱۶۰ نفر آنها دارای تجربه پیش دبستان و ۱۶۰ نفر فاقد تجربه پیش دبستانی هستند. روش نمونه گیری، تصادفی طبقه‌ای می باشد. آموزش پیش دبستانی توانسته بود باعث تغییر معناداری در مهارت های روانی - حرکتی کودکان شود. گروه آموزش دیده در مهارت های روانی - حرکتی در مقایسه با گروه آموزش دیده نمره بالاتری کسب کردند. بین دختران و پسران آموزش دیده در مهارت های روانی - حرکتی تفاوت معنی دار وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: آموزش پیش دبستانی، یادگیری، مهارت های روانی - حرکتی، دانش آموزان، دوره ابتدایی



مقدمه:

موفقیت دانش آموزان در مدرسه تا حدودی به رویدادهایی بستگی دارد که آنها قبل از ورود به مدرسه تجربه کرده‌اند. آمادگی کودکان برای ورود به مدرسه و موفقیت بعدی آنها در تحصیل، با جنبه‌های مختلف رشد آنها مرتبط است. عواملی از قبیل رشد جسمی، اجتماعی، شناختی، دانشی و چگونگی یادگیری در تعیین موفقیت آنها در مدرسه نقش دارند.

در گذشته، عقیده بسیاری بر این بود که ورود کودکان به دبستان، آغاز یادگیری و شکوفایی آنها در همه ابعاد رشد است. اما امروزه در پرتو تلاش صاحب‌نظران مختلف، مسیر تفکر و برنامه‌ریزی به سمت بارور کردن آموزش‌های پیش از دبستان، به عنوان پیش‌نیاز ورود کودکان به مدرسه، تغییر کرده است. بی‌شک پیشرفت در ابعاد گوناگون رشد در سنین بالاتر و حتی مرحله زمینه‌سازی برای اصلاح اعمال و حرکات مختلف کودکان با توجه به پژوهش‌های اخیر (برای مثال ویلیامز^۱، ۱۹۸۳؛ به نقل از مفیدی، ۱۳۷۵)، نوعی دگرگونی اندیشه را در زمینه رشد جسمی و حرکتی کودکان در سالهای اولیه کودکی به وجود آورده است. در دو سه دهه اخیر نیز در بسیاری از موسسه‌های آموزشی و تربیتی (به ویژه در جامعه ما) تمایل و گرایش زیادی در چرخش تاکید از مهارت‌های حرکتی و جسمی به سمت زمینه‌های رشد شناختی و ذهنی کودکان حس شده است (مفیدی، ۱۳۷۵). هر چند مهارت‌های حرکتی و شناختی لازم و ملزوم یکدیگرند و در برخی از دیدگاه‌های رشد مثل تئوری پیازه^۲ (۱۳۷۴)، مهارت‌های حرکتی زیربناء و لازمه مهارت‌های شناختی هستند.

با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی در قرن حاضر و تبلور این نکته که شکوفایی یک کشور از بستر آموزش و پرورش برمی‌خیزد، نیاز به گسترش دوره پیش از دبستان، بیش از گذشته خود را نمایان می‌سازد. بنابراین لازم است که برنامه کیفی و کمی مناسب و در خور نیازهای جسمی و روانی برای کودکان پیش‌دبستانی، با توجه به ویژگی‌های این دوره از رشد، تهیه و تدارک دیده شود. اما پیش‌نیاز برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در این زمینه، انجام پژوهش‌هایی است از روش‌شناسی و مبنای نظری درستی برخوردار باشند تا با توجه به نتایج حاصله، بتوان تا حدودی نیازهای جامعه در این زمینه برطرف شود و گام‌هایی هر چند جزئی در زمینه بهبود وضعیت آموزشی و تربیتی برداشته شود.

^۱ Williams



بیان مسأله:

در خصوص آموزش پیش دبستانی، دیدگاه های مختلف و گاه متعارضی ارائه شده است. از یک سو افرادی نظیر الکایند^۱، ۱۹۸۷؛ سیگل^۲، ۱۹۸۷؛ کانینگ^۳ و لیون^۴، ۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسیوس^۵، ۱۹۹۶ معتقدند که نباید کودکان را بی محابا به سمت آموزش های پیش دبستانی بکشانیم و جو حاکم بر بسیاری از برنامه های پیش دبستانی ممکن است کودکان آنطور که باید و شاید به سوی پیشرفت رهنمون نسازد. دلیلی که برای تدارک برنامه پیش دبستانی وجود دارد این است که در حین آموزش های پیش از دبستان، کودکان تجاربی را می آموزند که ممکن است در خانه نتوانند از اثرات مثبت چنین تجاربی برخوردار باشند. اما کانینگ و لیون (۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسیوس، ۱۹۹۶) بر این باورند که افسانه تجارب اولیه^۶ به این امر منجر شده که ما نقش بزرگسالان را در محیط های پیش دبستانی که باید فرصتی مناسب برای کودکان فراهم کنند را نادیده بگیریم. از سوی دیگر بسیاری از صاحب نظران (مثل دومان^۷، ۱۹۸۴؛ رسکولا^۸، ۱۹۹۱؛ پاندی^۹، ۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسیوس، ۱۹۹۶) معتقدند که تجارب پیش دبستانی تاثیر مثبتی بر رشد کودکان خواهد گذاشت.

تاکید بر آموزش و پرورش در دوره پیش دبستان به علت واقع گرایی، بینش، تلاش و کوشش افراد بسیاری است که عمر خود را صرف این کار کرده اند. اگر با توجه به منابع معتبر، از افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ قبل از میلاد مسیح) که آغاز آموزش های اولیه را از هنگام تولد دانسته اند، بگذریم و (باربور، ۱۹۸۶)، باید بپذیریم که افرادی مثل جان آموس کمینوس، ژان ژاک روسو، پستالوزی، فروبل، ماریامونته سوری، پیازه و پژوهشگران کنونی جوامع مختلف و نیز جامعه علمی و فرهنگی ایران، در شناخت هویت واقعی این دوره از آموزش و نتایج اثر بخش آن بر سرنوشت کودکان کمک و یاری رسانده اند (مفیدی، ۱۳۷۵). به علاوه پژوهش هایی که در زمینه مهارت های روانی - حرکتی و اثر برنامه های تمرینی بر افزایش و بهبود اینگونه مهارت ها انجام شده است (بلیانی، ۱۳۷۷؛ یان و یان، ۱۹۹۱، رهبانفرد، ۱۳۷۷ و خلجی و عماد، ۱۳۸۱) توانسته است تاثیر این برنامه های تمرینی را در بهبود مهارت های روانی - حرکتی نشان دهند.

^۱ Piaget

^۱ Elkind

^۲ Sigel

^۳ Canning

^۴ Lyon

^۵ Lefrancois

^۶ Myth of early experience

^۷ Doman

^۸ Rescorla

^۹ Pandy



از سوی دیگر مهارت های اجتماعی نیز با مهارت های روانی - حرکتی ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارند و جنبه مهمی از رشد کودک محسوب می شوند. هدف آموزشهای اولیه کودکان، اجتماعی بار آوردن (جامعه پذیری) آنان است (میزل^۲، ۱۹۹۶، وینووسکیز^۳، ۱۹۹۴). توانایی برای ایجاد و حفظ ارتباطات با دوستان و بزرگسالان (همچون معلمان)، پایه و رکن اجتماعی شدن را در مدرسه شکل می دهد. مهارتهای اجتماعی کودکان ممکن است با پیشرفت تحصیلی بعدی آنها در ارتباط باشد (اسواتز^۱ و والکر^۲، ۱۹۸۴) و تجارب آنها با همسالان خود، احتمالاً روی نگرشهای آنان در ارتباط با مدرسه و یادگیری نیز تاثیر می گذارد (کاگان^۳ و همکاران ۱۹۹۵).

بنابراین باتوجه به آمادگیهای جسمی، روانشناختی و اجتماعی کودک در دوره پیش دبستانی برای پیشرفت در جنبه های مختلف تحولی و گواهی پژوهشهای مختلف در تأثیر مثبت آموزشهای این دوره بر مهارتهای ادراکی - حرکتی کودکان دوره ابتدایی، لزوم توجه بیشتر به آموزشهای پیش دبستانی از لحاظ کمی و کیفی و انجام پژوهشهای مناسب در جهت سنجیدن اثرات و نیز بهبود محتوا و انجام آموزشها، مفید و لازم به نظر می رسد.

علاوه بر این پژوهشهای انجام شده، تاکنون متغیرهای مهارتهای روانی - حرکتی را یکجا مورد بررسی قرار نداده اند. بلکه هر کدام را در ارتباط با متغیرهای دیگری که مناسب و ضروری تشخیص داده اند مورد ملاحظه قرار داده اند. بنابراین به نظر می رسد که در پژوهشهای انجام شده خلایی وجود داشته باشد که سعی پژوهش حاضر بررسی نوع ارتباط این متغیرها و تاثیر آموزش پیش دبستانی در مهارتهای روانی - حرکتی دانش آموزان سال اول ابتدایی است.

ضرورت و اهداف تحقیق:

درخصوص تاثیر برنامه های آموزش پیش از دبستان، نظرات مختلفی ارائه شده است. با توجه به اینکه در کشور ایران و نظام آموزشی آن چند سالی است برنامه آموزش پیش دبستانی مطرح شده است ضرورت انجام پژوهشهایی که به بررسی ابعاد گوناگون رشد و تحول کودک بپردازند بیش از پیش اهمیت خود را نمایان می سازد. با اینکه والدین و معلمان بر ضرورت آموزش مدون سالهای پیش از مدرسه تاکید می کنند اما اثربخشی این تجارب بایستی مورد کند و کاوش قرار گیرد تا در پرتو پژوهشهای معتبر، مثمرتر بودن این برنامه ها مشخص شود. نتایج این پژوهش شاید بتواند راهگشای معلمان، والدین و مسئولین آموزش پیش از دبستان قرار بگیرد زیرا این سه گروه ارتباط جدی تر و مستقیم تری با کودکان دارند. ممکن است بتوان از نتایج این پژوهش در اصلاح و بازنگری یا تقویت برنامه های دوره پیش دبستانی استفاده کرد. از آنجایی که در پژوهش حاضر دو گروه از کودکان مدنظر قرار گرفته اند، کودکانی که تجربه پیش دبستانی ندارند و کودکانی که چنین دوره هایی را تجربه کرده اند، شاید نتایج آن برای دست اندرکاران دوره

^۱ Meisels

^۲ Vinovskis

^۳ Swatz

^۴ Walker



پیش‌دبستانی جالب توجه باشد چون اگر فرضیه های پژوهش تایید شود که تجارب پیش‌دبستانی بر مهارتهای روانی - حرکتی تاثیر مثبت گذاشته‌اند بنابراین والدین تشویق می شوند که کودکان خود را به گذراندن چنین برنامه هایی تقویت کنند و مسئولین نیز در جهت تقویت این دوره سعی بیشتری می نمایند اما اگر فرضیه ای تایید نشود با این حال ممکن است والدین در فرستادن کودکان خود به این مدارس دقت و تأمل بیشتری کنند و مسئولین نیز ترغیب می شوند با دقت نظم بیشتری در اصلاح و تدوین این برنامه ها بکوشند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش پیش دبستانی بر مهارتهای روانی - حرکتی طراحی شده است.

اهداف پژوهش:

اهداف اصلی پژوهش عبارتند از:

- بررسی میزان تاثیر آموزش پیش‌دبستانی بر مهارت های روانی - حرکتی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی شهر فسا.
- بررسی تفاوت های جنسی دانش‌آموزان در ارتباط با متغیرهای مهارت های روانی - حرکتی

فرضیه های پژوهش

۱- بین دانش‌آموزانی که تجربه آموزش‌های پیش از دبستان داشته‌اند با دانش‌آموزانی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، در مهارت های روانی - حرکتی تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲- بین مهارت های روانی - حرکتی دختران و پسران که آموزش پیش دبستانی را گذرانده اند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.



اهداف دوره پیش دبستانی

در راهنمای درسی دوره پیش دبستانی وزارت آموزش و پرورش، یازده هدف کلی مورد توجه قرار گرفته است که جهت دستیابی به هر هدف، حدود انتظارات مربوط به آن تعیین شده است. منظور از حدود انتظارات، محدوده محتوای متناسب با اهداف است که انتظار می‌رود در تولید فعالیتهای یاددهی - یادگیری از آن استفاده شود:

۱- شناخت **حواس** که حدود انتظارات آن شامل تشخیص اشیاء به وسیله چشم، تشخیص زبری و نرمی، سردی و گرمی به وسیله لمس، تشخیص بوها به وسیله بینی و فعالیتهای دیگر مربوط به حواس پنجگانه می‌شود.

۲- **پرورش مهارتهای زبان** که حدود انتظارات آن دقت در گوش دادن صداهای پیرامون، تشخیص زیر و بمی، توجه به صداهای آخر و اول کلمات، بررسی شنیده‌ها و دریافت هسته معنایی پیام و ارتباط میان بخشهای پیام و ... را در بر می‌گیرد.

۳- **توسعه تواناییهای جسمانی** که حدود انتظارات آن درست راه رفتن، درست نشستن، راه رفتن روی سطح شیبدار و خطوط مستقیم و ... ، پریدن به جلو از روی مانع، صحیح به دست گرفتن مداد و ... می‌باشد.

۴- **توجه به محافظت از اندامها** که استحمام استفاده از وسایل شخصی، رعایت نظافت و بهداشت قبل و بعد از غذا و یا قبل و بعد از رفتن به توالت و ... حدود انتظارات آن را تشکیل می‌دهد.

۵- **شناخت محیط زیست و توجه به آن** که حدود انتظارات آن شامل توجه به محیط زیست و زیبایی‌های آن حفظ و مراقبت از گلها و گیاهان، حفظ و مراقبت از جانوران و ... است.

۶- **درک مفاهیم اساسی ریاضی و علوم** فعالیتهایی از قبیل درک مفاهیم فضایی بالا، پایین، پشت، جلو و ... ، درک مفهوم اندازه و مقدار کوچک و بزرگ، کم و زیاد و ... حدود انتظارات آن را تشکیل می‌دهد.

۷- **توسعه تواناییهای ذهنی** که حدود انتظارات آن مهارت مشاهده توانایی طبقه‌بندی، توانایی ادراک اشیا، افزایش قدرت تمرکز، توانایی حل مسأله و ... را در بر می‌گیرد.

۸- **شناخت محیط، مقررات و قوانین اجتماعی و توسعه روابط اجتماعی** که حدود انتظاراتی از قبیل افراد خانواده (پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ) نسبتهای فامیلی (عمو، عمه، دایی) برخی از مشاغل (لباس و ابزار کار آن) و .. را شامل می‌شود.

۹- **شناخت فرهنگ و نشانه‌های مذهبی و میهنی** که حدود و انتظارات آن را دربرگیرنده نعمتهای خداوند و تشکر از لطف و مهربانی او، کتاب دینی (قرآن) ودین و پیامبر و امامان، احترام به قرآن، اهمیت سلام کردن و ... است.



۱۰- پرورش ذوق هنری و درک زیبایی‌ها شامل بیان یا شرح زیبایی، پرداختن به کار دستی شکل دادن به خمیر یا گل، رنگ کردن اشیاء و ... می‌شود.

۱۱- پرورش مهارت‌های زندگی که حدود و انتظارات آن فعالیت‌هایی مثل حل مسأله و تصمیم‌گیری، ارتباطات بین فردی، برقراری ارتباط موثر، خودآگاهی و همدلی و .. را شامل می‌شود. (دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی، ۱۳۸۱).

پیشینه پژوهش

مژدهی و همکاران (۱۳۹۱) در یک پژوهش تجربی به بررسی اثرات غنی سازی محیط بر رشد عقلی و روانی - حرکتی کودکان پرورشگاهی پرداختند. آنها ۲۸ نوزاد (۱۶ پسر و ۱۲ دختر) بین سنین ۴ ماه تا یک سال را از بین کودکانی که در شیرخوارگاه هلال احمر شیراز نگهداری می شدند را مورد مطالعه قرار دادند این افراد از بین ۶۵ نوزاد انتخاب شدند، که هیچ گونه نقض عضو یا سابقه تولد زودرس را نداشتند. این ۲۸ نفر به ۱۴ زوج تقسیم شدند و سپس هر یک از دو کودک زوج بطور تصادفی در گروه گواه یا تجربی قرار گرفتند. متغیر مستقل این پژوهش ارائه محرک اضافی (لامسه، شنوایی، بینایی و اجتماعی) در گروه تجربی به مدت ۵ دقیقه در روز و طی ۵ روز در هفته و به مدت ۶ هفته بود. در مطالعه دوم نیز ۲۱ نفر از کودکان فوق قابل دسترس بودند که با مقیاس‌های رشدی بیلی در پیش آزمون و پس آزمون مورد سنجش قرار گرفتند. یافته های این پژوهش نشان داد که تحریک اضافی به مدت ۶ هفته، توانسته است بر رشد عقل و مهارت‌های روانی - حرکتی گروه آزمایشی تاثیر معنی داری در مقایسه با گروه گواه ایجاد کند و همچنین پیگیری شش ماهه نشان داد که تفاوت ها تنها در نمرات روانی - حرکتی معنی‌دار بود و تفاوت نمرات رشد عقلی در دوگروه معنادار نبود.

حسینیان (۱۳۹۶) در شهر اصفهان نیز به این نتیجه رسید که دوره آمادگی پیش از دبستان بر پیشرفت تحصیلی پایه های اول، دوم، سوم و چهارم در دو گروه تفاوت معناداری ایجاد نکرده است، ولی در پایه پنجم بین پیشرفت تحصیلی دو گروه (گروهی که تجربه آمادگی قبل از دبستان را داشته اند و گروهی که این تجربه را نداشته اند) تفاوت معناداری وجود داشت.

رضوی زاده (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که رشد اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم ابتدایی که آموزش پیش دبستانی را پشت سر گذرانده بودند نسبت به دانش‌آموزان دیگر تفاوت معناداری داشت و آنها از پختگی اجتماعی بهتری برخوردار بودند.

دیده بان و همکاران (۱۳۹۹) نیز در تکرار پژوهش‌های قبلی به این نتیجه دست یافتند که مهد کودک می‌تواند مهارت‌های اجتماعی لازم را در کودکان ایجاد کند، زیرا دانش‌آموزانی که تجربه گذراندن مهد کودک داشتند نسبت به سایر دانش‌آموزان رشد اجتماعی بیشتری داشتند، هر چند این تفاوتها معنادار نبود.



سعیدی زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین آموزش دوره آمادگی و رشد اجتماعی دانش آوزان در پایه های اول و دوم ابتدایی شهر فسا به نتایج ذیل رسید:

بنت (۲۰۱۰) اثرات مهدکودک را بر همکاری اجتماعی کودکان در دو مطالعه و در دو مقطع زمانی بررسی کردند. در این پژوهش ۵۷ کودک شرکت داشتند. در مطالعه اول با ثابت نگهداشتن سن و جنس مشخص گردید که زمان طولانی حضور در مهد کودک سبب افزایش بازیهای دسته جمعی و کاهش رفتارهای کناره گیرانه شده است. در مطالعه دوم افزایش زمان حضور در مهد کودک مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که افزایش زمان حضور در مهد کودک موجب افزایش بازیهای سازمان یافته شده است.

کودکانی که توسط همسالانشان طرد می شوند بیشتر احتمال دارد که بزهکار شوند، ترک تحصیل نمایند، یا مشکلات روانشناختی بعدی در زندگی داشته باشند (روف و همکاران، ۲۰۱۴).

روش پژوهش:

پژوهش حاضر، یک پژوهش پس رویدادی (علی - مقایسه ای) است. این نوع پژوهش پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می پردازد (در این پژوهش، دو گروه از دانش آموزان کلاس های دوره اول دبستان انتخاب می شوند و ابزارهای پژوهش بر روی آنها اجرا می گردد. یک گروه کسانی هستند که آموزش پیش دبستانی را در مهدکودک یا آمادگی گذرانده اند و گروه دوم، هیچ گونه آموزش رسمی قبل از دبستان نداشته اند.

ابزار پژوهش

۱- آموزش رشد حرکتی لینکلن - ازرتسکی

برای سنجش مهارتهای روانی - حرکتی از آزمون لینکلن - ازرتسکی استفاده شده است. این آزمون به منظور رازیابی توانایی حرکتی سنین ۵ تا ۱۴ سال طراحی شده است. این مقیاس به صورت انفرادی اجرا شده و دارای ۳۶ ماده است و مهارتهای حرکتی گوناگون مانند مهارت انگشتان، هماهنگی چشم - دست، فعالیتهای عضلات بزرگ دستها، بازوها، پاها و تنه را مورد بررسی قرار می دهد (فلاح، ۱۳۷۶).

این آزمون توسط ازرتسکی روسی ساخته شد که در واقع ستون فقرات آزمون فعلی است. دارای شش خرده آزمون است که عبارتند از: هماهنگی کلی ثابت، هماهنگی کلی پویا، هماهنگی دستی پویا، سرعت حرکتی، حرکات ارادی همزمان و ناهم حرکتی. سپس این آزمون در سال ۱۹۴۶ توسط ارگاردال از نسخه پرتغالی به انگلیسی برگردانده شد.



سرانجام در سال ۱۹۴۸ اسلوان آن را با توجه به هنجارهای آمریکایی تنظیم کرد و در سال ۱۹۵۰ بعد از انجام پژوهشها و حذف ۴۹ ماده از مقیاس اولیه، ۳۶ ماده باقی ماند که به ترتیب دشواری مرتب می‌شوند. (فلاح، ۱۳۷۶).
برای بررسی پایایی این آزمون از روش دو نیم کردن بهره گرفته شده است و ضریب پایایی با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون برای پسران ۹۶٪ و برای دختران ۹۷٪ است. در خصوص روایی به وسیله هیأت داوران از ۸۵ ماده ۳۶ ماده انتخاب شد. همبستگی کلی نمرات با سن در پسران ۸۷٪ به دست آمده است (فلاح، ۱۳۷۶).

جامعه آماری

جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان سال های دوره اول دبستان فسا می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل می‌باشند.

گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

گروه نمونه شامل ۳۲۰ دختر و پسر است که ۱۶۰ نفر آنها دارای تجربه پیش دبستان و ۱۶۰ نفر فاقد تجربه پیش‌دبستانی هستند.

روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. ابتدا از بین جامعه آماری افرادی که ویژگی های دو گروه را دارا هستند انتخاب شده و از بین این افراد به صورت تصادفی دو گروه نمونه انتخاب شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

متغیرها

متغیر مستقل عبارتست از آموزش پیش‌دبستانی. متغیرهای وابسته، مهارتهای روانی - حرکتی هستند.

روش اجرای پژوهش:

پس از اخذ مجوز لازم از سازمان آموزش و پرورش سه منطقه شمال، مرکز و جنوب انتخاب شدند و از هر منطقه چند مدرسه انتخاب شدند. از بین این مدارس دانش‌آموزان دارای تجربه پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان فاقد تجربه پیش‌دبستانی جدا شدند و از بین آنها به طور تصادفی گروههای نمونه انتخاب شدند و آزمون مهارتهای حرکتی لینکلن - ازرتسکی اجرا گردید. سپس پرسشنامه سارشی رفتار کودک به والدین آنها داده شد تا آن را تکمیل نمایند. سپس داده‌ها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد.

روش های آماری:

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش استفاده شد. در روش توصیفی، فراوانی و درصد جنسیت آزمودنیها و میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را در دو گروه مورد استفاده قرار گرفته است. در روش استنباطی از T مستقل برای بررسی تفاوت میانگینها و روش همبستگی پیرسون استفاده شد.



یافته ها

اطلاعات عمومی مربوط به گروه های پژوهشی (کودکانی که تجربه آموزش پیش دبستانی داشته اند و کودکانی که تجربه پیش دبستانی نداشته اند) که از پرسشنامه ها بدست آمده اند در جداول زیر بیان شده اند:

توزیع فراوانی آزمودنیها بر حسب جنسیت

| جنسیت | پسر | دختر | کل |
|------------|-----|------|-----|
| شاخص آماری | ۱۶۰ | ۱۶۰ | ۳۲۰ |
| تعداد | ۱۶۰ | ۱۶۰ | ۳۲۰ |
| درصد | ۵۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |

جدول نشان می دهد که ۵۰ درصد آزمودنیها پسر و ۵۰ درصد دختر هستند.

توزیع فراوانی آزمودنیها بر حسب گروه آموزش دیده و آموزش ندیده

| گروهها | تعداد | درصد |
|-------------|-------|------|
| آموزش دیده | ۱۶۰ | ۵۰ |
| آموزش ندیده | ۱۶۰ | ۵۰ |
| جمع کل | ۳۲۰ | ۱۰۰ |

اطلاعات جدول نشانگر این است که ۵۰ درصد آزمودنیها تجربه پیش دبستانی داشته اند، در حالی که ۵۰ درصد از آنها دوران پیش دبستانی را تجربه نکرده اند.

در این قسمت از پژوهش تحلیل های تبیینی مربوط به فرضیه های پژوهش ارائه می گردد.

۱- فرضیه اول: بین دانش آموزانی که تجربه آموزش پیش دبستانی داشته اند با دانش آموزانی که چنین تجربه ای نداشته اند در مهارت های روانی - حرکتی تفاوت معنی دار وجود دارد. برای بررسی این فرضیه نگاهی به جدول شماره ۱۰ می اندازیم.

مقایسه میانگینهای گروه آموزش دیده و آموزش ندیده در مهارتهای روانی - حرکتی

| متغیرها | میانگین | انحراف استاندارد | آزمون T | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|-------------|---------|------------------|---------|------------|---------------|
| آموزش ندیده | ۷۹/۷۱ | ۲۱/۳ | -۱/۰۹۹ | ۳۱۸ | ۰/۰۵ |
| آموزش دیده | ۸۲/۴۰ | ۲۲/۵۱ | | | |



همانطور که در جدول می بینیم میزان t برابر $۱/۰۹۹$ - و سطح معنی داری آن $۰/۰۵$ می باشد. بنابراین برطبق یافته ها تفاوت بین دو گروه در این متغیر معنی دار نیست و فرضیه رد می شود. به عبارت دیگر آموزش پیش دبستانی باعث تغییر معنادار در مهارتهای روانی - حرکتی دانش آموزان نشده است.

مقایسه میانگین های دختران و پسران آموزش دیده

در متغیر مهارت های روانی - حرکتی

| سطح معنی داری | درجه آزادی | آزمون T | انحراف استاندارد | میانگین | شاخص آماری |
|---------------|------------|---------|------------------|---------|------------|
| | | | | | متغیرها |
| ۰/۱۷ | ۱۴۲/۰۹ | -۱/۳۶۷ | ۱۸/۶۸ | ۸۰ | دختر |
| | | | ۲۵/۷۵ | ۸۴/۸۷ | پسر |

با مشاهده جدول درمی یابیم که آزمون t برای مقایسه این دو گروه $۱/۳۷۲$ - است و سطح معنی داری آن $۰/۰۵$ می باشد. لذا نتیجه این است که بین دختران و پسران آموزش دیده در مهارتهای روانی - حرکتی تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه رد می شود.

فرضیه ۴: از لحاظ مهارتهای روانی - حرکتی بین دختران و پسرانی که آموزش پیش دبستانی ندیده اند تفاوت معنی دار وجود دارد.

مقایسه میانگین های دختران و پسران آموزش ندیده

در متغیر مهارت های روانی - حرکتی

| سطح معنی داری | درجه آزادی | آزمون T | انحراف استاندارد | میانگین | شاخص آماری |
|---------------|------------|---------|------------------|---------|------------|
| | | | | | متغیرها |
| ۰/۰۰۴ | ۱۵۸ | -۲/۹۰۱ | ۱۹/۹۱ | ۷۴/۸۷ | دختر |
| | | | ۲۱/۷ | ۸۴/۴۳ | پسر |

بر طبق جدول آزمون t معادل $۲/۹۰۱$ - و سطح معناداری $۰/۰۵$ می باشد که نشانه معنادار بودن تفاوتها است. بنابراین بین دختران و پسران آموزش ندیده در مهارتهای روانی - حرکتی تفاوت معنادار وجود دارد و لذا فرضیه تایید می شود.



نتیجه گیری

فرضیه اول این پژوهش تایید شد. به عبارتی آموزش پیش دبستانی توانسته بود باعث تغییر معناداری در مهارتهای روانی - حرکتی کودکان شود. گروه آموزش دیده در مهارت های روانی - حرکتی در مقایسه با گروه آموزش دیده نمره بالاتری کسب کردند. نتایج این فرضیه یا پژوهش حکیمی منش، تشکری، مزدهی و معین (۱۳۶۱) همخوان است. نتایج این پژوهش را می توان با پژوهش های حکیمی منش و همکاران (۱۳۶۱) گویاکلا (۲۰۰۵) مقایسه کرد

بین دختران و پسران آموزش دیده در مهارتهای روانی - حرکتی تفاوت معنی داری وجود دارد. هر چند جنسیت یکی از عوامل تعیین کننده در تفاوت های فردی است (گولومبوگ، فی وش، ۱۳۷۸)

بین دختران و پسران آموزش دیده در مهارتهای روانی - حرکتی تفاوت معنی دار وجود دارد. ممکن است یکی از دلایل چنین یافته ای این باشد که خانواده به پسران بیشتر اجازه بازی های حرکتی می دهند و دختران بیشتر به سمت کارهای ظریف سوق داده می شوند. هر چند به نظر می رسد که این کلیشه ای امروز کم رنگ تر از گذشته شده است اما شاید هنوز آثار آن برای سال های سال پایدار باشد. نتایج این پژوهش با ایده الکانید و همکارانش (۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسیوس، ۱۹۹۶) همخوان است که نبایستی کودکان را بی محابا و فقط به صرف اینکه تجربه پیش دبستانی در رشد آنها تاثیر مثبت دارد به مدارس فرستاد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محدودیت‌های پژوهش:

- در این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی وجود داشت که در این بخش به برخی از این محدودیت اشاره می‌شود:
- ۱- مشکل در اجرای آزمون لینکن - ازرتسکی. در بعضی از مدارس به دلیل کمبود فضای کافی، آزمونگران برای تهیه مکانی مناسب به دردرس می‌افتادند.
 - ۲- عدم تمایل برخی از مدیران مدارس و کنجکاوای بیش از حد آنها درخصوص هدف پژوهش و چگونگی استفاده از نتایج آن.
 - ۳- عدم پاسخدهی به تمام سوالات پرسشنامه رفتار سازشی از سوی والدین. هر چند تعداد این موارد بسیار کم بود.

پیشنهادها

- ۱- پیشنهاد می‌شود این پژوهش از طریق طرح‌های دقیق‌تر و با نمونه بزرگتر اجرا شود تا بهتر بتوان به نتایج آن اعتماد کرد.
- ۲- به نظر می‌رسد یکی از متغیرهای مهم در رشد مهارت‌های حرکتی کودکان، فضای مهد کودک و مراکز پیش دبستانی باشد. بهتر است در پژوهش‌های آینده به نوعی ارتباط بین میزان فضای مهد کودک با رشد مهارت‌های حرکتی سنجیده شود تا بهتر بتوان این ارتباط را بررسی کرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع:

- ۱- چری (۱۳۸۹) تعامل والدین و کودکان. ترجمه محمود دهگانپورو مهرداد خرازچی. فسا: رشد
- ۲- اخوت ، همکاران (۱۳۸۵) مقیاس رشد اجتماعی وایلند در ارزشیابی شخصیت. فسا: موسسه دانشگاه فسا
- ۳- معنوی و همکاران (۱۳۸۸) فرهنگ لغات و اصطلاحات چهار زبانه روانپزشکی. فسا: دانشگاه فسا
- ۴- محمدیان (۱۳۹۶) تحلیل برنامه دوره آمادگی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم فسا
- ۵- افکاری ، حمید (۱۳۹۲) فرهنگ جامع روان شناسی - روانپزشکی. جلد اول. فسا: فرهنگ معاصر
- ۶- عباسی ، رضا (۱۳۹۶) اثر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی و هوش کودکان در دوره دبستان. نشریه علوم تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فسا، دوره هشتم، شماره ۳ و ۴.
- ۷- حقیقت، شهربانو (۱۳۹۲) اثر آموزش پیش دبستانی بر مشکلات رفتاری و پیشرفت تحصیلی گروهی از دانش آموزان دختر و پسر طبقات مختلف اقتصادی - اجتماعی دبستانهای شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز
- ۸- راس، آلن (۱۳۹۶) اختلالات روانی کودکان: رویکردی رفتاری به نظری ، پژوهش و درمان. ترجمه میرهوشنگ مهریار و فریده یوسقی. فسا: رشد
- ۹- واعظی و همکاران (۱۳۹۵) هنجاریابی مقدمات مقیاس رفتار انطباقی وایلند در جمعیت شهری و روستایی شهر کرمان. اندیشه و رفتار. سال دوم. شماره ۴
- ۱۰- سارا، پاکاریان (۱۳۹۶) تحلیل محتوای برنامه آموزش پیش دبستانی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی رشد اجتماعی دانش آموزان مقطع دبستان. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی. دانشگاه تربیت معلم
- ۱۱- سلیمانی، ناصر، نوروزی، داریوش (۱۳۹۳) ارتباط بین توانمندیهای حرکتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه چهار شهر فسا. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۲- Beck, T. S (۱۹۹۵) **Cognitive therapy: basic and beyond**. New York: Guilford Press.
- ۱۳- Beck, A. T., Rush, A. T., Ashaw, B. F & Emery, G. (۱۹۷۰). **Cognitive therapy for depression**. Newyork: Guilford Press.
- ۱۴- Davison, G. C. Neale, T. M (۲۰۰۱) **Abnormal psychology** (۸ ed) New York: John wiley sons.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۵- Fenell, M. T. V (۱۹۹۸). Low self-esteem N. Taarier., A. Well, G. G. Haddoch (ed).
Treating complex cases: The cognitive beavioural theory approach. (P.P. ۲۱۱-۲۴۰). New
York: John wiley.